

حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن

محمود حکمت‌نیا

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان تحقیق: حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن

پژوهشگر: نظام‌های اسلامی، گروه علمی: فقه و حقوق

محقق: محمود حکمت‌نیا

ناظر علمی: ابوالقاسم علی‌نوست، ناظر از سوی مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

ارزیاب علمی: ناصر قربان‌نیا

موضوع اصلی: نظام جامع حقوق زن

مدت انجام تحقیق: چهار سال

فهرست اجمالی

۱۷.....	پیشگفتار.....
۲۱.....	مقدمه.....
۲۹.....	بخش اول: حقوق و مسئولیت‌های فردی زن.....
۳۳.....	فصل اول: حق حیات طیب.....
۱۱۷.....	فصل دوم: حق و مسئولیت نسبت به دین و دینداری.....
۱۴۳.....	بخش دوم: حقوق و آزادی و مسئولیت‌های سیاسی زنان.....
۱۵۱.....	فصل اول: مفاهیم.....
۱۶۹.....	فصل دوم: نهادهای سیاسی.....
۱۹۱.....	فصل سوم: افعال و مناصب سیاسی و قضایی.....
۲۱۵.....	بخش سوم: حقوق فرهنگی.....
۲۲۱.....	فصل اول: حق برخورداری از دانش و فناوری و نتایج آن.....
۲۶۹.....	فصل دوم: حقوق زن در حوزه هنر.....
۲۸۷.....	فصل سوم: حقوق ورزشی و تفریحی.....
۳۱۱.....	فصل چهارم: حق پوشش و مسئولیت‌ها نسبت به آن.....
۳۳۹.....	بخش چهارم: حقوق و مسئولیت‌های مالی و اقتصادی.....
۳۴۷.....	فصل اول: اصول کلی حاکم بر حقوق اقتصادی.....
۳۷۹.....	فصل دوم: قواعد حاکم بر روابط مالی و اقتصادی.....
۳۸۷.....	فصل سوم: حقوق مالی و اقتصادی زن.....
۴۱۱.....	فصل چهارم: مسئولیت‌های مالی و اقتصادی زن.....
۴۲۱.....	منابع.....
۴۵۷.....	نمایه آیات.....
۴۶۱.....	نمایه روایات.....
۴۶۳.....	نمایه اعلام.....
۴۶۹.....	نمایه اصطلاحات.....

فهرست تفصیلی

پیشگفتار.....	۱۷
مقدمه.....	۲۱
بخش اول: حقوق و مسئولیت‌های فردی زن.....	۲۹
فصل اول: حق حیات طیب.....	۳۳
گفتار اول: حق حیات.....	۳۳
مبحث اول: مبنای مشروعیت حق حیات.....	۳۴
مبحث دوم: میزان ارزش حیات.....	۳۶
مبحث سوم: قواعد و احکام مربوط به حق حیات.....	۴۱
۱. مسئولیت فردی نسبت به حق حیات.....	۴۲
۲. تکلیف فردی نسبت به حق حیات.....	۴۲
۳. مسئولیت اجتماعی نسبت به حق حیات.....	۴۵
الف) وظیفه عدم تعدی و تجاوز به حیات دیگری.....	۴۵
ب) وظیفه حفظ نفس دیگری.....	۴۶
۴. عدم معافیت از مسئولیت با اکراه و اجبار.....	۴۷
۵. بی‌اعتباری رضایت نسبت به زیان‌رساندن به حیات خود.....	۴۸
الف) وضعیت عادی.....	۴۹
ب) رضایت در وضعیت خاص (به‌مرگی).....	۵۰
۶. دفاع مشروع برای حفظ حیات.....	۵۱
۷. هدرنودن خون مسلمان.....	۵۲
۸. جواز سلب حق حیات.....	۵۴
۹. قتل در فراش.....	۵۷

- مبحث چهارم: اسقاط جنین..... ۵۸
۱. چیستی جنین..... ۵۹
۲. چیستی مادر..... ۶۴
- الف) رویکرد خویشین مالکی..... ۶۴
- اقتضای آزادی..... ۶۵
- اقتضای تساوی زن و مرد..... ۶۵
- اقتضای حق سلطه بر خود..... ۶۶
- مصونیت از تحمل وظایف حقوقی..... ۶۶
- استحکام مردسالاری..... ۶۶
- ملازمه حق کنترل بارداری و اسقاط جنین..... ۶۷
- اقتضای حق خلوت..... ۶۷
- مصونیت از مشکلات..... ۶۷
- محدودیت جنین در تصرف بدن مادر..... ۶۸
- بی‌تأثیر بودن قانون..... ۶۸
- انتقال مسئولیت از شخص..... ۶۹
- دفع افسد به فاسد..... ۶۹
- منفعت اقتصادی اسقاط جنین..... ۷۰
- اسقاط جنین به منظور کنترل جمعیت..... ۷۰
- ب) رویکرد خدامالکی..... ۷۵
- گفتار دوم: حقوق مرتبط با حق حیات..... ۸۱
- گفتار سوم: حق نسل آینده و مسئولیت نسل حاضر نسبت به آن..... ۸۳
- گفتار چهارم: اختیار و آزادی زن نسبت به بدن خود..... ۸۵
- مبحث اول: اصل مسئولیت نسبت به بدن..... ۸۶
- مبحث دوم: اصل داشتن حق نسبت به بدن..... ۸۸
- مبحث سوم: اصل تحفظ نسبت به تصرفات جنسی..... ۸۹
- مبحث چهارم: آزادی تصرفات مادی در اعضای بدن..... ۸۹
- مبحث پنجم: آزادی تصرفات به صورت از میان بردن منفعت..... ۹۱
- گفتار پنجم: حق بر سلامت و رابطه آن با حیات طیب..... ۹۲
- مبحث اول: حق بر سلامت..... ۹۲
۱. تعریف سلامت..... ۹۲
۲. مفهوم حق بر سلامت..... ۹۵

۳. دولت و حق بر سلامت ۹۷
۴. ابعاد حق بر سلامت ۹۹
- الف) بعد جسمی ۹۹
- ب) بعد روانی ۹۹
- ج) بعد اجتماعی ۱۰۰
- د) بعد معنوی ۱۰۰
۵. اصول حق بر سلامت ۱۰۱
۶. عناصر حق بر سلامت ۱۰۲
- الف) فراهم بودن ۱۰۳
- ب) در دسترس بودن ۱۰۳
- ج) پذیرفتنی بودن ۱۰۳
- د) کیفیت ۱۰۴
۷. موارد حق بر سلامت و حقوق مرتبط ۱۰۴
- الف) موارد حق بر سلامت ۱۰۴
- ب) حقوق مرتبط ۱۰۶
۸. حوزه‌های اثرگذاری حق بر سلامت ۱۰۷
- مبحث دوم: رابطه حق بر سلامت با حیات طیب ۱۱۱
۱. ظرف حیات طیب ۱۱۲
۲. شاخص‌های حیات طیب ۱۱۵
- فصل دوم: حق و مسئولیت نسبت به دین و دینداری ۱۱۷**
- گفتار اول: حق دین و دینداری ۱۲۳
- مبحث اول: حق دینداری ۱۲۳
- مبحث دوم: حق اطلاع از دین و مسئولیت اطلاع‌رسانی درباره آن ۱۲۳
- مبحث سوم: حق اطلاع یافتن از معارف دینی ۱۲۴
- مبحث چهارم: حق ادای فرایض دینی و عبادی ۱۲۶
- مبحث پنجم: حق بهره‌مندی از فضای مناسب دینی ۱۲۷
- گفتار دوم: مسئولیت نسبت به دین و دینداری ۱۲۸
- مبحث اول: وظیفه شخص در حفظ دین خود ۱۲۸
۱. تعریف ارتداد ۱۲۸
۲. شرایط و احکام ارتداد ۱۳۰
- مبحث دوم: وظیفه دیگران در توهین نکردن به مقدسات دینی ۱۳۱

مبحث سوم: وظیفه دیگران در احترام به دین ۱۳۳

مبحث چهارم: وظیفه اشخاص در هدایت دینی ۱۳۸

مبحث پنجم: وظیفه مهیاساختن فضای دینداری ۱۳۹

بخش دوم: حقوق و آزادی و مسئولیت‌های سیاسی زنان ۱۴۳

فصل اول: مفاهیم ۱۵۱

گفتار اول: حقوق سیاسی ۱۵۱

گفتار دوم: آزادی سیاسی ۱۵۳

مبحث اول: تعاریف مصداقی آزادی سیاسی ۱۵۳

مبحث دوم: تعریف تحلیلی ۱۵۵

گفتار سوم: عمل سیاسی ۱۵۸

گفتار چهارم: مشارکت سیاسی ۱۶۰

گفتار پنجم: نقش سیاسی ۱۶۲

فصل دوم: نهادهای سیاسی ۱۶۹

گفتار اول: شورا ۱۶۹

مبحث اول: مشورت با توجه به شخصیت زن ۱۷۷

مبحث دوم: مشورت با توجه به موضوع مشاوره ۱۷۸

۱. جهت اثباتی ۱۷۸

۲. جهت سلبی ۱۷۹

مبحث سوم: مشورت با توجه به مشورت‌کننده ۱۸۰

گفتار دوم: بیعت ۱۸۲

گفتار سوم: نصیحت پیشوایان ۱۸۶

گفتار چهارم: امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ۱۸۷

فصل سوم: افعال و مناصب سیاسی و قضایی ۱۹۱

گفتار اول: فعل سیاسی ۱۹۱

مبحث اول: آزادی بیان ۱۹۲

مبحث دوم: آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها ۱۹۶

مبحث سوم: حق تأسیس احزاب و تشکلات ۱۹۶

مبحث چهارم: حق انتخاب‌شدن ۱۹۸

مبحث پنجم: حق شرکت در انتخابات و همه‌پرسی ۱۹۸

گفتار دوم: مناصب سیاسی و قضایی ۱۹۹

مبحث اول: مناصب سیاسی ۱۹۹

۲۰۷.....	مبحث دوم : مناصب قضایی
۲۱۵.....	بخش سوم: حقوق فرهنگی
۲۲۱.....	فصل اول: حق برخورداری از دانش و فناوری و نتایج آن
۲۲۴.....	گفتار اول: واژه‌شناسی علم و فناوری
۲۲۴.....	مبحث اول: واژه‌شناسی علم
۲۲۵.....	۱. علم به مثابه آگاهی
۲۲۶.....	۲. علم به مثابه باور صادق موجه
۲۲۶.....	۳. علم به مثابه مسائل در محور خاص
۲۲۷.....	۴. علم به مثابه رشته علمی
۲۲۸.....	مبحث دوم: واژه‌شناسی فناوری
۲۳۰.....	گفتار دوم: ابعاد علم و فناوری
۲۳۰.....	مبحث اول: بعد کمالی علم
۲۳۱.....	مبحث دوم: بعد سیاسی و اجتماعی علم و فناوری
۲۳۲.....	مبحث سوم: بعد اقتصادی و ابزاری علم و فناوری
۲۳۳.....	مبحث چهارم: بعد اقتصادی و ذاتی علم و فناوری
۲۳۵.....	گفتار سوم: مفهوم حق نسبت به علم و فناوری
۲۳۶.....	مبحث اول: حق نسبت به علم در پیمان‌های جهانی و قانون اساسی
۲۳۸.....	مبحث دوم: اصل اولی در حوزه علم و فناوری
۲۳۹.....	مبحث سوم: جایگاه زن در علم و فناوری
۲۳۹.....	۱. زن به عنوان فهمنده
۲۴۲.....	الف) فهمنده علوم عقلی
۲۴۳.....	ب) فهمنده علوم دینی
۲۴۴.....	ج) فهمنده خطابات الهی
۲۴۴.....	د) دریافت‌کننده پیام الهی
۲۴۵.....	هـ) مخاطب پیام الهی
۲۴۶.....	و) فهمنده پیام وحیانی
۲۴۷.....	ز) فهمنده دانش‌های فنی و مهندسی
۲۴۷.....	ح) فهمنده مهارت‌های فنی
۲۴۸.....	۲. زن به عنوان موضوع فهم
۲۵۲.....	۳. زن در رشته‌های آموزشی
۲۵۳.....	الف) رشته‌های مستلزم توان جسمی بالا

- ۲۵۴..... (ب) رشته‌هایی که از زن استفاده ابزاری شود.....
- ۲۵۵..... (ج) رشته‌هایی که زنان در آن منع شرعی دارند.....
- ۲۵۵..... (د) رشته‌هایی که به زنان اختصاص دارد.....
- ۲۵۶..... (هـ) سایر مصلحت‌ها.....
- ۲۵۹..... ۴. زن به عنوان موضوع دانش.....
- ۲۶۰..... الف) زن در متون آموزشی.....
- ۲۶۱..... (ب) زن به عنوان گیرنده دانش.....
- ۲۶۳..... (ج) زن به عنوان انتقال‌دهنده دانش.....
- ۲۶۴..... (د) زن در فرایند آموزش.....
- ۲۶۵..... هـ) زن در تولید دانش.....
- ۲۶۶..... (و) زن به عنوان استفاده‌کننده از منافع اقتصادی دانش.....
- ۲۶۹..... فصل دوم: حقوق زن در حوزه هنر**
- ۲۷۱..... گفتار اول: چستی هنر.....
- ۲۷۱..... مبحث اول: تعریف هنر.....
- ۲۷۴..... مبحث دوم: ویژگی‌های هنر.....
- ۲۷۵..... مبحث سوم: هستی‌شناسی هنر.....
- ۲۷۶..... گفتار دوم: موضوع‌شناسی فقهی و حقوقی هنر.....
- ۲۷۶..... مبحث اول: تحلیل فقهی و حقوقی هنر از نظر فعالیت هنری.....
- ۲۷۸..... ۱. بعد ناظر به هنرمند.....
- ۲۷۹..... ۲. بعد ناظر به پیام.....
- ۲۸۰..... الف) حقوق اقتصادی.....
- ۲۸۰..... حق نشر و تکثیر.....
- ۲۸۰..... حق ترجمه.....
- ۲۸۱..... حق اقتباس و تلخیص و تبدیل.....
- ۲۸۱..... حق استفاده از پاداش و جایزه.....
- ۲۸۱..... حق عرضه و اجرا.....
- ۲۸۲..... ب) حقوق معنوی.....
- ۲۸۲..... حق افشای اثر.....
- ۲۸۲..... حق حرمت نام و عنوان پذیرداورنده.....
- ۲۸۳..... حق تمامیت اثر.....
- ۲۸۳..... حق عدول.....

۲۸۲	حق دسترسی به اثر
۲۸۴	۳. بعد ناظر به گیرنده
۲۸۴	۴. بعد ناظر به محیط عرضه هنر
۲۸۵	۵. تکثیر مصداق‌ها
۲۸۵	مبحث دوم: تحلیل فقهی و حقوقی هنر از نظر مصداق
۲۸۷	فصل سوم: حقوق ورزشی و تفریحی
۲۸۹	گفتار اول: موضوع‌شناسی حقوق ورزشی و تفریحی زن
۲۹۴	گفتار دوم: ابعاد حقوقی
۲۹۵	مبحث اول: ماهیت حق ورزشی
۲۹۶	مبحث دوم: ورزش به عنوان حق فردی
۳۰۱	۱. نوع ورزش
۳۰۲	۲. نوع پوشش
۳۰۳	۳. عنصر اختلاط
۳۰۴	۴. بافت فرهنگی ورزش
۳۰۵	مبحث سوم: ورزش از نظر فعل دولت
۳۰۸	مبحث چهارم: حق تماشاگری ورزش
۳۱۱	فصل چهارم: حق پوشش و مسئولیت‌ها نسبت به آن
۳۱۶	گفتار اول: اصول حقوقی ناظر به حجاب
۳۲۱	گفتار دوم: موضوع‌شناسی فقهی - حقوقی
۳۲۵	گفتار سوم: حکم‌شناسی پوشش
۳۲۶	مبحث اول: پوشش به عنوان حق
۳۲۸	مبحث دوم: پوشش به عنوان تکلیف
۳۳۱	مبحث سوم: کشف حجاب
۳۳۴	مبحث چهارم: حقوقی‌بودن حجاب و ضمانت‌اجرای آن
۳۳۹	بخش چهارم: حقوق و مسئولیت‌های مالی و اقتصادی
۳۴۷	فصل اول: اصول کلی حاکم بر حقوق اقتصادی
۳۴۸	گفتار اول: مالکیت خصوصی
۳۴۹	مبحث اول: ماهیت مالکیت
۳۴۹	مبحث دوم: عناصر ملکیت
۳۵۰	۱. عناصر گستره ملکیت
۳۵۰	الف) حق استعمال

پیشگفتار

حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زنان به عنوان مهم‌ترین بخش نظام حقوق زن ارتباط وثیق با شخصیت زن داشته و از جمله موضوعات پرچالش و بحث‌برانگیز بوده است. گاه این حقوق چنان مورد تردید و انکار قرار گرفته است که والاترین آن یعنی حق حیات نیز از زنان سلب شده است و گاه چنان به شخصیت ویژه وی بی‌توجهی شده است که بدون توجه به خصوصیات جسمی و روحی و روانیش و با فراموشی یا انکار هویت و شخصیت زنانه‌اش به انگیزه دفاع از وی و رفع ستم از او تلاش گردیده است حقوق یکسان با مردان برای زن ترسیم گردد. با همین بهانه گاه چنان او را به سان ابزار به صحنه اجتماع کشیده‌اند که منجر به ستم‌ورزی مدرن گردیده است. این ستم‌ورزی در جهان معاصر نه از سر جهل، بلکه با اندیشه و روش و نه از انکار شخصیت و حقوق زن بلکه با بازخوانی شخصیت و حقوق وی صورت گرفته است.

پژوهش حاضر یکی از ده‌ها عناوین پژوهشی حوزه حقوق زن و خانواده است که در گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به ثمر نهشته است. این تحقیق تلاش می‌کند با تحفظ بر مبانی و مرزهای معرفتی اسلام، حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن را به ترسیم کشد.

این پژوهش با عنوان «حقوق فردی و اجتماعی زن» در ادامه «فلسفه نظام حقوق زن» به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و با

همکاری علمی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، توسط جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا دانشیار گروه فقه و حقوق و همکاران وی طی نزدیک به چهار سال به ثمر نهشته است.

محقق محترم با احاطه بر مباحث فلسفی حقوق و با استفاده از زبان حقوقی تلاش می‌کند ساختار و مصادیق حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن در اسلام را ترسیم کند. وی با همین رویکرد حقوقی چون حق حیات طیب، حق و مسئولیت نسبت به دین و دین‌داری، حقوق و آزادی و مسئولیت‌های سیاسی زنان، حقوق فرهنگی، حق برخورداری زن از دانش و فناوری و نتایج آن، حقوق زن در حوزه هنر، حقوق ورزشی و تفریحی و حق پوشش و مسئولیت‌های نسبت به آن و حقوق و مسئولیت‌های مالی و اقتصادی زن مورد بررسی قرار می‌دهد.

این پژوهش توسط جناب حجت‌الاسلام والمسلمین استاد ابوالقاسم علیدوست به عنوان ناظر علمی مرکز مطالعات زنان و خانواده و جناب آقای دکتر ناصر قربان‌نیا به عنوان ارزیاب، از طرف شورای علمی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه مورد بررسی و نقد دقیق و عمیق قرار گرفت. حاصل نظر ایشان به محقق و همکاران وی ارائه شد و موارد مورد پذیرش محقق، اعمال و اصلاح گشت. پس از آن، موارد باقیمانده در چندین جلسه شورای علمی با حضور ریاست محترم پژوهشگاه، حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر رشاد با دقت و ظرافت مورد بررسی قرار گرفت و موارد دیگری اعمال و اصلاح شد.

علاوه بر این، نتیجه تحقیق در چندین جلسه در مرکز مطالعات زنان و خانواده با حضور کارشناسان و مدیران آن مرکز ارائه شد و محقق و همکاران وی، از دیدگاه‌ها و نکات ارائه‌شده در این جلسات نیز بهره‌مند شدند؛ همچنین یافته‌های پژوهش به تدریج طی سه سال، توسط محقق در کلاس‌های درس و کارگاه‌های آموزشی متعدد ارائه شد و از بازخورد آن در پژوهش استفاده گردید.

گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی بر خود لازم می‌داند از مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری و دست‌اندرکاران محترم آن در دوره‌های مختلف به خصوص سرکار خانم دکتر زهره طیب‌زاده نوری ریاست وقت مرکز، سرکار خانم دکتر مریم مجتهدزاده لاریجانی ریاست مرکز، سرکار خانم دکتر کبری خزعلی، سرکار خانم زهرا سجادی و سرکار خانم ثقفی قدردانی و تشکر نماید. همچنین لازم است از محقق همکار آقای مهدی معلی و دستیاران تحقیق آقایان محمدجواد کاظمی‌پور و مجید بورونی که در بخش‌های از تحقیق همکاری نموده‌اند، از آقای ابراهیم باطنی که با مطالعه بخش‌هایی از تحقیق، نکات ارزنده‌ای را یادآوری کرده‌اند، از سرکار خانم زینب مصباحی‌نیا که ویرایش متن را بر عهده داشته‌اند، از جناب آقای محمدباقر انصاری که مسئولیت ویراستاری و نظارت بر آن را پذیرفته، از آقای عظیم قهرمانلو که در اصلاح نهایی متن کمک شایانی نموده و از آقای مصطفی نصرآبادی و خانم‌ها زهره عابدی و زهرا حکمت‌نیا که بازخوانی متن را انجام داده‌اند و نیز جناب آقای مجید اسلامی که هماهنگی‌های لازم را انجام داده است، تشکر شود.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

گروه فقه و حقوق

مقدمه

حقوق فردی از جمله حقوق فردی زن در موسع‌ترین تعبیر، به آزادی‌ها، توانایی‌ها، مصونیت‌ها و مطالباتی گفته می‌شود که جامعه آن را برای رشد و اعتلای فرد، لازم و ضروری می‌شمرد و آنها را تضمین می‌کند؛ بدین سان که قانون اساسی بسیاری از آنها را به عنوان حقوق ملت در برابر دولت می‌شناسد و دولت را به اجرای آن ملزم و مکلف می‌کند.

چنین نگرشی به حقوق، ریشه در اعتقاد به ارزش و شخصیت فرد و ماهیت دولت دارد. به موجب این اعتقاد، انسان ذاتاً دارای کرامت و حق است. هر یک از انسان‌ها اگرچه در پایین‌ترین طبقات اجتماع و پست‌ترین شرایط زندگی کنند، از حقوق و امتیازاتی برخوردارند. از طرف دیگر، قدرت حکومت ناشی از افراد مردم است و در نتیجه دولت نمی‌تواند به آن حقوق تجاوز کند و آنها را نادیده بگیرد.^۱

در برابر چنین نگرشی، جامعه‌گرایان بر این باورند که احاد انسانی اصالت ندارد. آنچه دارای اصالت است، جامعه است که در این میان تنها تعهد و تکلیفی که دولت بر عهده دارد خدمت به مردم است و برای انجام دادن این خدمت به شناسایی نهادهایی چون حق نیازی نیست؛ زیرا نمی‌توان برای هیچ‌کس حق، هدف یا منفعتی جدا از مصالح گروه و جماعت تصور کرد؛ به

همین سبب هر فرد باید افکار و اعمال خود را با آنچه دولت خیر و صلاح جامعه می‌داند، تطبیق دهد و در هر حال برای اینکه اقدامات دولت در راه رفاه مردم ثمربخش و مفید باشد، نباید هیچ محدودیت و قیدی وجود داشته باشد.^۱

با چنین نگاهی باید گفت حقوق فردی اصطلاحی است که بر پایه‌های فردگرایی در برابر جامعه‌گرایی استوار بوده، برای آحاد انسانی امتیاز و آزادی قائل است و نگاه آن به دولت نگاه ابزاری و خدمت‌رسانی است.

از این‌رو برخی حقوق‌دانان بر این باورند که واژه حق وقتی به طور معمول و بدون قرینه به کار می‌رود، به معنای «حق فردی یا شخصی» است. در این کاربرد، حق تمامی مصادیق خود را در بر می‌گیرد. حق در این معنا در برابر حقوق به معنای احکام است.^۲

حقوق فردی در این معنا، به صورت‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است؛ برخی آن را به سه گروه اصلی حقوق سیاسی، حقوق عمومی و حقوق خصوصی تفکیک کرده‌اند. در این تفکیک، حق سیاسی اختیاری است که شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمان‌های دولتی دارد. حق عمومی حقی است مربوط به شخصیت انسان و ناظر به روابط دولت و مردم؛ مانند حق حیات، آزادی وجدان و آزادی بیان؛ آنچه در فصل سوم قانون اساسی درباره حقوق ملت آمده است، ناظر به همین گروه است. حقوق خصوصی اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد؛ مانند حق مالکیت، حق ابوت و بنوت، حق شفعه و انتفاع.^۳

به نظر می‌رسد معیار تقسیم حق فردی به گروه‌های سه‌گانه فوق، مربوط به طرف رابطه حق از یک‌سو و موضوع حق از سوی دیگر است. اگر طرف رابطه حق اشخاص خصوصی دیگر باشند، حق خصوصی شکل می‌گیرد. این حق بیشتر در قالب صورت‌بندی حق مطالبه خودنمایی می‌کند. اگر طرف رابطه

۱. رک به: همان؛ ص ۴۶.

۲. ناصر کاتوزیان؛ مبانی حقوق عمومی؛ ص ۳۷۰.

۳. همان؛ ص ۳۸۱.

دولت باشد، این حق خود به دو گروه تقسیم می‌شود: در صورتی که سخن از اختیار اشخاص برای مشارکت در قوای عمومی باشد، حق سیاسی محقق می‌شود و در صورتی که سخن از شخصیت فرد و مسئولیت دولت به میان آید، حق عمومی مقرر می‌گردد.

برخی دیگر، حقوق و آزادی‌های فردی را با مراجعه به قوانین اساسی بیشتر کشورهای جهان یا رویه محاکم و مراجع سیاسی به سه گروه آزادی شخصی، حقوق ناشی از اجرای عدالت و حقوق مالی تقسیم نموده‌اند.^۱ در این میان، با نگاهی دیگر، حقوق و آزادی‌های فردی را از نظر موضوع می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد: آزادی‌های مربوط به اعمال فردی، آزادی اندیشه و تفکر، آزادی تجمع و گروه‌بندی، آزادی اقتصادی و اجتماعی و آزادی‌های ناشی از اجرای عدالت.

آنچه گفته شد در دیدگاه انسان‌محور، قابل توجیه و فهم است؛ زیرا در این رویکرد، ریشه قواعد حقوقی را باید در انسان چه به صورت فرد و چه به صورت جامعه جستجو کرد. جامعه سیاسی متشکل از افراد و دولت است و تقسیم حقوق باید با نظارت چنین عناصری تحلیل گردد. علاوه بر این در این تحلیل، نبود تفاوت میان حقوق زن و مرد به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است و در نتیجه تحلیل حقوق زن مجزای از حقوق مرد چندان موجه نیست مگر در مواردی که تأکیدی در کار باشد یا جهتی برای حمایت ویژه از زن وجود داشته باشد. از همین رو تقسیمات فوق نشان می‌دهد تقسیم حقوق به لحاظ جنسیت صاحب حق جایگاهی ندارد، بلکه ملاک تقسیم بیشتر به ماهیت حق ناظر است.

رویکرد نظام حقوقی اسلام با آنچه تا کنون گفته شد متفاوت است. در نظام حقوقی اسلام، رابطه سه‌سویه‌ای برقرار است: رابطه انسان‌ها با یکدیگر چه به صورت فرد یا دولت و رابطه انسان با خدا؛ از این‌رو ساختار نظام حقوقی اسلام دربردارنده دو عنصر حق و مسئولیت است؛ به این معنا که

۱. جعفر بوشهری؛ همان؛ ص ۴۸.

چهارم انسان در ارتباط با دیگران و یا حتی در ارتباط با خود، دارای تکلیف و مسئولیت باشد و دولت به عنوان اینکه مجری احکام الهی است نیز بر انجام دادن چنین مسئولیت‌هایی نظارت و مداخله نماید؛ بدین ترتیب ساختار حق و مسئولیت، بر روابط اجتماعی حاکم بر افراد و همچنین بر رابطه فرد و دولت حکومت خواهد کرد. منشأ و مبدأ پیدایش حق و مسئولیت، اراده تشریعی خداوند است که البته وی از چنین اعمال اراده‌ای هیچ گونه نفع و یا رفع نقیصی برای خود در نظر نگرفته است، بلکه همه به مصلحت و منفعت بندگان است تا آنها بتوانند افزون بر زندگی دنیوی، در مسیر صلاح و فلاح اخروی نیز قدم بردارند. بدین ترتیب در عناوین به کاررفته در ساختار حقوقی اسلام، باید حق و مسئولیت را در کنار هم ملاحظه نمود. این امر هیچ گاه موجب خودکامگی دولت نخواهد شد؛ زیرا اگرچه در اندیشه انسان محوری، محور قراردادن حق فردی و شخصی ابزاری برای مهار قدرت است، در نظام حقوقی اسلام، مکلف و موظف بودن دولت در برابر احکام الهی و داشتن ضمانت‌اجراهای مناسب اجتماعی، از چنین خودکامگی‌ای جلوگیری خواهد کرد.

علاوه بر این در نظام حقوقی اسلام به شخصیت و جایگاه زن و نقش‌های وی در زندگی فردی و اجتماعی توجه خاصی صورت گرفته است. با نگاهی گذرا به ساختار نظام حقوقی اسلام به این نکته پی می‌بریم که در مواردی حقوق و تکالیف متفاوت برای زن و مرد وضع گردیده است. این امر در حوزه خانواده بسیار نمایان‌گر است. از منظر اسلام، خانواده نهاد مقدسی است که قانونگذار از جهات مختلف از آن حمایت نموده است و خود به دقت قواعد و مقررات حاکم بر آن را در بسیاری از موارد متناسب با وضعیت جسمی، روحی، عاطفی و روانی اعضای آن تعیین نموده است.

با توجه به این معیار می‌توان حقوق و مسئولیت‌ها را در حوزه زنان به سه دسته تقسیم نمود: حقوق و مسئولیت‌های فردی، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی که خود شامل حقوق و مسئولیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

می‌شود و حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی که محل تجلی آن خانواده است. نمونه اعمال چنین معیاری را می‌توان در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. در این منشور، ابتدا به حقوق و مسئولیت‌های فردی زنان و پس از آن، به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی آنان اشاره شده است. در ادامه، به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان که خود شامل حقوق و مسئولیت‌های سلامت جسمی و روانی، حقوق و مسئولیت‌های فرهنگی، حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی، حقوق و مسئولیت‌های سیاسی و حقوق و مسئولیت‌های قضایی زنان می‌شود، اشاره می‌کند.

همان‌طور که گفته شد، حقوق فردی نسبت به دولت سنجیده می‌شود؛ به همین سبب برخی از نظر کاربردی، بر این باورند که این حقوق باید با توجه به وظیفه دولت، تحلیل و ارزیابی شود؛ از این‌رو برای شناسایی حقوقی تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی سه تعهد دولت، جدا از یکدیگر باید مورد توجه قرار گیرد. تعهدات مزبور عبارت‌اند از تعهد به احترام، تعهد به حمایت^۱ و تعهد به ایفا.^۲

تعهد به احترام خودداری از مداخله در آزادی افراد است؛ تعهد به احترام در حقیقت بعد سلبی تعهدات حقوقی است که از خودداری‌ها و اجتناب‌های لازم، حسب حق مورد بحث تشکیل شده است؛ تعهد به احترام، تعهد به انجام‌ندادن اعمال خاص یا عمدتاً ترک فعل‌هاست؛ البته این خودداری‌ها چه‌بسا رفتار ایجابی را نیز در بر داشته باشد. تعهد به حمایت، وظیفه دولت در جلوگیری دیگران از مداخله در حقوق اشخاص است. این بعد از تعهد دولت، بر تأمین نظم و عدالت اشاره دارد. از آنجا که دولت‌ها موظف‌اند نظم و عدالت را در میان اعضای جامعه به اجرا درآورند، باید نسبت به مداخله شخص در حقوق دیگری احساس مسئولیت کنند و جلوی چنین مداخله‌ای را بگیرند.

1. Obligation to Respect.

2. Obligation to Protect.

3. Obligation to Fulfill.

تعهد به اجرا از دولت می‌خواهد ابزارهای لازم را برای اطمینان از تحقق نیاز افراد فراهم کند که چنین نیازهایی با تلاش خود آنها تأمین نمی‌شود.^۱ این سه تعهد دولت نیز در ساختار حقوق انسان‌محور قابل فهم و توجیه است؛ اما در ساختار نظام حقوقی اسلام، بعد دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه شخص نسبت به حقوق خود نیز دارای مسئولیت است و دولت در مواردی نمی‌تواند به شخص برای تجاوز به حقوق خود اجازه دهد؛ برای مثال، می‌توان از حق حیات نام برد؛ حق حیات در ساختار حقوقی اسلام، برای فرد نیز ایجاد مسئولیت می‌کند و دولت باید جلوی تجاوز فرد را به حیات خود نیز بگیرد.

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که جدا از دسته‌بندی حقوق و مسئولیت‌ها، معیاری برای تعیین مصادیق هر دسته وجود ندارد؛ زیرا با توجه به سطح فرهنگی، ساختار دولت، میزان توان انسان در تسخیر طبیعت و مداخله در ساختار حیات، نوآوری‌های بشر در برقراری روابط صحیح و عادلانه اجتماعی و امور دیگر مصادیق حقوق در هر دسته متفاوت خواهد بود؛ برای مثال، شیوه‌های درمان ناباروری، پیوند اعضا و شبیه‌سازی انسانی موجب می‌شود حق انسان در تصرف در بدن خود مورد توجه اکید قرار گیرد. وجود فناوری‌های اطلاعات، دسترسی به شبکه جهانی (اینترنت)، وسایل ارتباط راه دور، وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های دیگر موجب شده است عناوین جدیدی از حقوق خودنمایی کند.

مطلب دیگر که مورد توجه برخی حقوق‌دانان قرار گرفته است، این است که حقوق فردی مطلق نیست؛ زیرا یکی از هدف‌های اصلی و مهم حکومت، جلوگیری از تعدی و تجاوز افراد به حقوق یکدیگر است؛ چنان‌که آزادی مطبوعات متضمن این حق نیست که کسانی شرف و حیثیت دیگران را مورد حمله قرار دهند یا مردم را به شورش و ارتکاب جنحه یا جنایت تحریک کنند؛

1. Matthew Craven; The International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights: a Perspective on Its Development; p. 182.

همچنین آزادی اجتماعات به کسی اجازه نمی‌دهد موجبات اختلال نظم و سلب آسایش دیگران را فراهم سازد. آزادی فرد حتی در مواردی که مطابق قانون مباح باشد و منعی برای آنها پیش‌بینی نشده باشد، مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه حدی برای آن مقرر شده است تا حقوق و آزادی‌ها در آن اجرا شود. حد مزبور، مصالح عمومی است که خطوط و مرز آن ثابت و مشخص نیست و به اعتبار زمان، مکان، شرایط و احوال در تحول و تغییر است.^۱

پژوهش حاضر که بخش دیگری از مباحث نظام حقوق زن در اسلام است و در ادامه مباحث فلسفی نظام حقوق زن در اسلام به ساختار و مصادیق حقوق فردی و اجتماعی زن در اسلام می‌پردازد. این پژوهش درصدد است با رعایت مبنا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که ساختار حقوق فردی و اجتماعی زن چیست، مصادیق آن کدام است و دلیل مشروعیت هر یک از حقوق چیست و رابطه درون‌نظامی حق‌ها با یکدیگر چگونه است.

برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها تلاش شده است با تحلیل اتمیک حق و با لسان حقوقی، ابعاد مختلف هر حق تحلیل و مشروعیت آن با استناد به منابع اسلامی مرور شود. از آنجا که هدف اصلی این پژوهش ارائه ساختار کلان بوده است، از ورود به جزئیات خودداری شده است.

برای ترسیم این دسته از حقوق پژوهش حاضر در چهار بخش طراحی گردیده است؛ بخش اول اختصاص به حقوق و مسئولیت‌های فردی زن دارد که در آن ابعاد حق حیات طیب و حق و مسئولیت نسبت به دین و دین‌داری مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم به حقوق و آزادی و مسئولیت‌های سیاسی زنان اختصاص دارد که در آن با بررسی مفاهیم و نهادهای سیاسی، افعال و مناصب سیاسی زنان تحلیل می‌شود. بخش سوم به حقوق فرهنگی اختصاص دارد که در آن حق برخورداری زن از دانش و فناوری و نتایج آن، حقوق زن در حوزه هنر، حقوق ورزشی و تفریحی و حق پوشش و مسئولیت‌های نسبت به آن بررسی می‌شود. بخش چهارم به حقوق و

مسئولیت‌های مالی و اقتصادی زن اختصاص دارد که در آن با برشماری اصول و قواعد کلی حاکم بر حقوق اقتصادی به حقوق مالی و اقتصادی و مسئولیت‌های مالی و اقتصادی زنان پرداخته خواهد شد. نکته قابل توجه در پژوهش حاضر این است که بسیاری از حقوق به زن اختصاص ندارد اما از آنجایی که تحقیق حاضر درصدد ارائه ساختار جامع برای حقوق بوده است حقوق مشترک و اختصاصی را بررسی نموده است. با این تفاوت که حقوق مشترک به صورت گذرا مورد اشاره قرار گرفته و حقوق اختصاصی به صورت تفصیلی‌تر مورد بحث واقع شده است.

با مرور بر ادبیات و فصل‌های این پژوهش می‌توان نوآوری‌های آن را در ادبیات و زبان حقوقی متناسب با نهادها و اصطلاحات فقهی، ارائه ساختار نظام‌مند از حق‌ها، ورود به عرصه‌های مختلف حقوقی با رعایت ضوابط و چهارچوب‌های نظام حقوقی به خصوص در حوزه‌هایی که کمتر مورد توجه واقع شده است، ترسیم مرزهای معرفتی نظام حقوقی اسلام و جداسازی آن از سایر مکاتب و نظام‌های حقوقی، تحلیل ابعاد اختصاصی نظام حقوقی اسلام به خصوص در حوزه عفاف و حجاب و مشاغل و مناصب سیاسی و حقوق هنری و ورزشی و ترسیم جایگاه زن به لحاظ حقوقی در نظام علم و فناوری دانست.